

## نگاہ

گفت وگو با حامد دهقان به بهانه نمایشگاه «وضعیت نامشخص»

## سه هنرمند، سه نسل، یک وضعیت

## حافظ روحانی

نمایشگاه «وضعیت نامشخص» ما را به این سؤال ارجاع می دهد که هنر معاصر چگونه می تواند در خادماهای معاصر مواجه شود. آنچه حامد دهقان به عنوان زیورپور (نمایشگاه گردان) در این نمایشگاه دوم کرده، در ابتدا تلاشی است برای یافتن پاسخ این سؤال و دوم، کوششی برای بررسی این نکته که چگونه سه نسل مختلف از هنرمندان و با و بی وضعیت، در آن ترسیم کرده مواجه می شوند؛ وضعیتی که به قولش او را در یک موقعیت نامشخص قرار می دهد و تصمیم گیری را مشکل می کند. نمایشگاه «وضعیت نامشخص» که در نگارخانه شماره شش برگزار شده، کوششی است برای فهم یک وضعیت که به قول دهقان، نوعاً در موقعیت منفقاری و فرامنطقه ای است و کار هنر شاید این باشد که وضع را به موقعیت برنجان برگرداند.

۴ در این نمایشگاه با یک موضوع مواجهیم و سه هنرمند، از سه نسل، نحوه انتخاب چنین موضوعی چگونه بود و هنرمندان چگونه انتخاب شدند؟

برگزاری این نمایشگاه حول موضوعاتی است که من به‌شخص پیگیرشان هستم؛ مسائلی که در فضای مسائل تأثیر می‌گذرانند. به‌عنوان موضوعات را از دل همین مسائل انتخاب می‌کنم. به این دلیل موضوع توجه می‌کنم که هنر معاصر الان دارد روی چه موضوعاتی کار می‌کند و سعی می‌کنم موقع ترتیب‌دادن یک نمایشگاه به چنین مسائلی بپردازم. نمایشگاه کنونی هم نمودی از همین قضیه است. در مورد بردن انتخاب هنرمندان هم باید بگویم که آنچه در ابتدا برای من مهم است این است که هنرمندان کارنامه کاری فخطوب و تجربیات کافی داشته باشند. در وهله بعدی این است که هنرمندانی را انتخاب می‌کنم که فضای کاری‌شان به موضوع انتخابی من نزدیک باشد. این نمایشگاه به این شکل پیش رفت که با یک موضوع اولیه شروع کردیم، پروپوزالی برای هنرمندان فرستاده و قرار بر این شد که ما در یک فرایند به تعدادی کار برسیم که بتوانند مسئله را کاملاً باز پرسش‌هایی را در فضای نمایشگاهی مطرح کنند.

**۴ در این پروپوزال اولیه چه چیزهایی گنجانده شده بود؟ آیا همین فکر در آن پروپوزال هم مطرح شده بود؟**

یک بخش از پروپوزال به عنوان فکر اولیه نمایشگاه ایده‌ای بود که من مطرح کردم. مسئله‌ای که در دوره‌های مطرح بود موضوعاتی شامل می‌شد که بر زندگی در دوره ما تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم می‌تواند درون‌منطقی‌ای باشد و هم فرامنطقه‌ای. طرح اولیه بر همین موضوع تأکید داشت. اما چیزی که در پروپوزال گنجانده شده بود نوع کاری بود که قرار بود انجام شود. من معمولاً برای پروژه‌هایم دستورالعمل را طراحی می‌کنم و آن را به هنرمندان پیشنهاد می‌دهم. مثلاً دوره‌ای از فرایند کار را صرف بحث و گفت‌وگو می‌کنیم. و بعد از مدتی هنرمندان تعیین می‌کنند که قصد دارند دقیقاً به چه موضوعی بپردازد و آن را با توجه به طرح اولیه پیشنهاد می‌کنند. اگر هم به همین شکل پیش رفت، بعد از اینکه من طرح را فرستادم، هنرمندان فکر‌ها و ایده‌هایی را مطرح کردند و وقتی دیدم که فکر‌ها و ساختارهایی شکل گرفته، زمانی بود که کار اولیه کلید خورد. در این مرحله موضوعات دیگری که ممکن است به کار مربوط باشند، توسط هنرمند مطرح می‌شود و چیزی که الان می‌بینید حاصل فرایندی است که با یک مسئله شروع شده ولی کارها به تدریج حاصل نگاه خود هنرمندان است. کاری که من می‌کنم این است که فضا را ترسیم و موقعیتی ایجاد کنم که این آثار بتوانند کار خودشان را انجام داده و حرفشان را بزنند. بنابراین چیزی که شروع شد و چیزی که هم‌اکنون بر دیوار نمایشگاه می‌بینید یک فرایند کاملاً پینی‌بینی شده بود اما در فضایی حرکت می‌کردیم که بسیاری از چارچوب‌هایش را می‌شناختیم، در نتیجه این نمایشگاه محصول یک تعامل بین من و هنرمندان بود.

موضوع مطرح شده در پروپوزال چه بوده؟ فتنی که کار بر اساس موضوعات منظمه‌ای و فاصله‌نقطه‌ای پیش رفت. ولی این موضوع دقیقاً چه بود؟ می‌دانم که هر هنرمند روی یک موضوع مستقل کار کرده، می‌خواهم بدانم این فرایند چگونه پیش رفته؟ شما یک موقعیت را طرح کردید و از آنها خواستید تا بر مبنای این موقعیت موضوعی را مطرح کنند و، اول، موضوعات ارائه شده و بعد موقعیت نامعین یا نامشخص شکل گرفته؟

کاری که من کردم همان ترسیم شرایط بود؛ موقعیتی که به‌زعم من وضعیتی را توصیف می‌کند که ما امروزه در آن هستیم و داریم در آن شرایط زیست می‌کنیم. از منظرهای مختلفی می‌شود به این وضعیت نگاه کرد. این ورودی‌ها همان موضوعاتی است که توسط هنرمندان پیشنهاد می‌شود. وقتی قرار است که کارها در یک فرایند به وجود بیایند و انتخاب نشوند، آن وقت شما به‌همراه هنرمند مسیری را طی می‌کنید. در این فرایند چون هنرمند بیشتر از من در جریان روند پیشرفت آثار است در نتیجه پیشنهادات زیادی ارائه می‌کند که یا چیزی که در ذهن من بوده، تفاوت بسیار دارد. کاری که من می‌کنم این است که یک‌سوم تا هنرمند از مسیر خارج نشود. من بارها شرایطی را ترسیم کردم؛ شرایطی که را می‌توان گرفتاریم و از آنها خواستم تا کارهایی را ارائه کنند که چنین وضعیتی را نمایان کنند؛ وضعیتی که به‌زعم من وضعیتی نامشخص است و به همین خاطر ما نمی‌توانیم دید درستی نسبت به آینده‌مان داشته باشیم و بشر با مسائل درگیر هستیم؛ مسائلی که امروز به زیست ما برمی‌گردد و ما تحت‌تاثیر قرار داده و باعث شده تا ما در مقابل موقعیت‌های مختلف، عکس‌العمل‌های گوناگونی نشان دهیم. شرایط به شکلی است که وضعیتی به ما تحمیل می‌شود و ما خودمان هم در تحمیل این وضعیت بر اطرافمان دخیل هستیم. یعنی به این وضعیت دوطرفه است. هنرمندان از زاویه‌های مختلف به این وضعیت نگاه کرده‌اند که آیا چنین وضعیتی از طرف یک قدرت یا نهاد دارد بر ما تحمیل می‌شود یا ما خودمان هم در یک چنین وضعیتی را بر اطراف تحمیل می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۱۴

## دریچہ

**سینما کلاسیک  
با ایستود و تروفو**

**شرق:** «سری جدید» («سینما کلاسیک») شبکه نمایش که هر شب ساعت یک با ابعاد از این شبکه پخش می‌شود، در این هفته نیز از ۱۱ تا ۱۷ تیرماه ۱۳۸۷ به پخش برنامه سینمای سینمای کلاسیک که از آن روزی آغاز می‌شود. «راه‌های افتخار»، «بازرس کلوزو»، «چوزی ولز» اثر «کلینت ایستوود»، «فازنه‌ایست ۴۵» ساخته فرانسیس تروفو، «غروب سینه‌پارکان»، «آسمان زرد» اثر ویلیام وولمن و نیکلاس نیکسید فیلم‌های منتخب این هفته سینما. کلینت ایستوود کارگردان، بازیگر و تهیه‌کننده مطرح سینماست که چهره خشک و جدی او از نمادهای سینمای کلاسیک است؛ به‌ویژه با حضور در سینه‌گانه وسترن اسپاگتی سریجیو لئونیه یعنی با خاگر یک مشت دلار و به خاطر چند بار بیشتر و خوب، بد زشت، ایستوود پس از پایان دوره طلایی حضورش در سینمای وسترن بیشتر رو به کارگردانی آورد و «پاخشوده»، «هری کیف»، «عزیز میلیون‌دلاری» و «گرن تورینو» از آثار مطرح اوست. «چوزی ولز» از محصلان ۱۹۶۶ آمریکا، که نامزد یک جایزه اسکار نیز بوده، جز «آمریکا» است که ایستوود علاوه بر کارگردانی در آن، نیز به ایفای نقش پرداخته

است. فیلم «حزری ولز» روز دوشنبه ۱۳۴۰ اردیبهشت ساعت یک بهامداد از شبکه یک پخش خواهد شد. «فرشته‌های تروفو» از کارگردانان پشیزا سسینمای موج نوی فرانسه و سازنده فیلم‌هایی مانند «۴۰۰ ضربه»، «آخرین مترو» و «اتاق سبز» است. این هفته نیز یکی دیگر از آثار ساخته‌شده تروفو با نام «فارنهایت ۴۵۱»، برای پخش در نظر گرفته شده است. فیلم، داستانی فانتزی دارد و دورهای را روایت می‌کند که بشر کتاب را مضر می‌داند و شروع به سوزاندن کتاب‌ها می‌کند. فیلم نامزدی جوایزی مانند بهترین بازیگر مرد جایزه بفتا و نامزدی بهترین کارگردانی فیلم نیز را در کارنامه دارد و به سبب توسعه متدافارنهایت تحسین شده است. سرشنه ۱۴ اردیبهشت ساعت یک بهامداد پهنه این فیلم از شبکه یک پخش خواهد شد.

## فیلم‌های اردیبهشتی شبکه نمایش

**شرق:** در ادامه برنامه‌ریزی شبک نمایش برای پخش فیلم‌های جدید در همه ماه، اردیبهشت‌ماه نیز با سه فیلم جدید این برنامه پی گرفته خواهد شد.

**از زاین با یادداشت‌های یک سامورایی**

سامورایی‌ها از نمادهای ویژه کشور ژاپن هستند و مرام و مسلک سامورایی هنوز هم در بین مردم این کشور در جریان است. سامورایی‌ها نیروهای نظامی دوره قبل از انقلاب می‌جبهی با روشنایی در این کشور بودند که زمین‌داران بزرگ و حاکمان آن دوره از زاین خدمت می‌کردند. اما مرام زندگی و اهورسم خاص زندگی آنها باعث شد پس از گذشت سال‌ها تبدیل به موضوعی ویژه برای ساخت فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها باشند.

فیلمی از سینمای سوئد و کوه‌های  
پربرف

«۲۲مهر بر ثانیة برف» محصول سال ۲۰۰۶ کشور سوئد که در کوه‌های سر به فلک کشیده این کشور اتفاق می‌افتد، داستان گروهی است که به خاطر بوران و برف به کلیه‌ای در تفریقات پناه می‌برند. در شب اول اقامت یکی از افراد گروه گشته می‌شود و حالا همه به دنبال قاتلی هستند که در بین آنها حضور دارد.

**شتاب، هیجان در آفریقای جنوبی**

فیلم «هیجان انگیز شتاب» با بازی اولگا کوریلنکو، بازیگر شناخته شده اوکراینی و مورگان فریمن که در آفریقای جنوبی اتفاق می افتد، از دیگر عناوین شبکه نمایش برای اردیبهشت سال ۹۵ است.

گفت‌وگو با رحمان سیفی آزاد  
رئیس مرکز نمایشی سیما

# مهران مدیری سانسور نشد

عکس: مہدی حسینی

شاید به واسطه همین شرایط تا حد زیادی کیفیت قربانی می شود اینکه ناگزیر فیلم نامه مثلا به دست کارگردانی هم سپرده می شود که به سرعت کار را به آتن می رساند و شاید در این شرایط است که عده ای معترض می شوند تولیدات تلویزیون فقط به عده ای خاص سپرده می شود.

کارگردان‌هایی مثل آقای مقدم و سهیلی‌زاده این ویژگی را دارند که آثارشان را با سرعت بالایی می‌سازند اما انصافاً کدامیک از آثار سیروس مقدم یا سهیلی‌زاده در بازخورد و مخاطب دچار لکنت بوده است؟ طبعاً کارگردانی مانند آقای مقدم تا زمانی که مخاطب دارند باید کار کنند. معتقدم تلویزیون با مخاطب معنی پیدا می‌کند. در تئاتر گروتسکی هم مخاطب را در نظر می‌گیریم. در حال حاضر اکثر افرادی که آثار ضعیفی در تلویزیون تولید کرده‌اند بهانه تراشی می‌کنند. هر چند ما دست‌اندرآوردی برای کارکردن نیستیم اما برخی از آنها معتقدند فقط به واسطه همین دست‌اندرآوردی‌ها می‌توانیم سازگار حضورشان در تلویزیون باشیم و مخاطب نمی‌تواند اولویتی برای انتخاب آثارشان باشد.

❖ بد نیست در این فرصت درباره آثار اخیر مه‌ران مدیری هم صحبت کنیم. به‌رحال فصل اول سرریال «در حاشیه» مخاطبان بسیاری داشت و مورد استقبال قرار گرفت. اما این موفقیت در فصل دوم تکرار نشد. برخی معتقدند افت کیفی فصل دوم به دلیل ملاحظات است که گروه سازنده این مجموعه در نظر گرفته‌اند و اینکه معتقدند مه‌ران مدیری برای تولید آثارش روی لبه شمشیر راه می‌رود که هم بتواند حرفش را بزند و هم دچار سانسور نشود. نظر شما چیست؟

درباره فصل دوم سریال «در حاشیه» می‌گویم. مهران مدیری به هیچ وجه روی تشابه نبود و با خیال راحت کار کرد. متأسفانه مهران مدیری در فصل دوم «در حاشیه» به عنوان بازیگر حضور نداشت و مسئول صفر تا صد فیلم‌نامه نیز گروه سازنده این سریال نبود. کسی او را سانسور نکرد. جذابیت قصه فقط در کار بازی با خطوط قرمز نیست. من هم انتظار نداشتم مخاطب با فصل دوم سریال «در حاشیه» ارتباط برقرار کند. زمانی که ساخت سریال «در حاشیه» آغاز شد من در مرکز نمایشی سیما نبودم اما معاون محترم سیما و آقای تشدید حمایت کامل را از آقای مدیری به جا آوردند که مالبینکه در «دور همی» این حمایت وجود دارد. با وجود اتفاقاتی که به برنامه او شد اما تلویزیون به سرمایه‌های خود استوار می‌گذازد و از او حمایت کرد و می‌کند. به‌ترتیب باید فاکتورهای موفق بودن فصل دوم «در حاشیه» را از خود آقای مدیری بپرسید. اما به هیچ وجه سانسور و ممیزی در مسیر کاری او اتفاق نیفتاد. قطعاً در برداشش قصه با انتخاب بازی بازیگران دچار مشکل شدند و شاید مهم‌ترین نکته این بود که آقای مدیری در فصل دوم این سریال بازی نکرد. طبعاً اوست که باید دلش برای اثرش بسوزد. روی صحنه با آقای مدیری نیست اما جریان عادی در هنر ما شکل گرفته است که

بعد از اتمام کار، بازرگانی کارگردانی به دلیل حضور در یک اثر از مردم غذر خواهی می‌کند. چطور به دلیل دریافت مبلغ بالا برای حضور در یک کار معتبرت خواهی انجام نمی‌شود اما بابت انجام کار غذر خواهی می‌کنی؟ واقعیت این است که این عجزت خواهی در چنین شرایطی دروغ است، باید پای انتخاب ایستاد. و با شیاعت اعلام کنی به خاطر پولی کاری را قبول کردم نه به دلیل کیفیت. متأسفانه کتب سری رُست‌ها به غلط در ایران مد شده است. در هیچ‌جای دنیا نمی‌بینید هنرمند وسط کار راه‌کند و برود. اما در ایران به راحتی از همه چیز می‌گذرد و ارزشی برای کارش قائل نیست و این خطرناک است و معنایش این است که اخلاق و مسئولیت پذیری در حال نابودی است و برخی رسانه‌ها به جای نقد رفتارهای غلط این هنرمندان و متوکب‌کردن‌شان، برعکس از آنها همرهان جای پوشالی می‌سازند و می‌دانند با این کارها چه بلایی بر سر فرهنگ و اخلاق این کشور می‌آورد.

مدت هاست بسیاری از کارگزاران مطرح تلویزیون در مדיوم شبکه نمایش خانگی فعالیت می کنند و به مرور فاصله تلویزیون و شبکه نمایش خانگی بیشتر می شود و شاید به دلیل تفاوت هایی که در جنس ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی وجود دارد، این مדיوم حتی جذابیت بیشتری برایشان دارد. این رقابت تا چه اندازه برای شما پررنگ است؟

در حال حاضر برخی از کارگردان‌هایی که از آنها نام بردید یا در حال کار با تلویزیون یا در حال نگارش و تدارک کار برای تلویزیون هستند؛ مثل آقای کمال تبریزی که در حال ساخت «سرزمین کهن» است، آقایان میرباقری یا فتحي یا عیاری که در حال نگارش و تدارک طرح‌هایشان هستند. جنس شبکه نمایش خانگی با تلویزیون متفاوت است. مثلاً نمی‌توانیم سریال «شهرزاد» را با این شکل از پردازش در رسانه عمومی پخش کنیم و قبلاً مخاطبان تلویزیون به لحاظ کمی و کیفی با سریال‌های تلویزیون در بازخورد یا مخاطب، غلط و مع الفارق است. تلاش ما هم کیفی‌سازی تولیدات سیماست. نمی‌گوییم می‌توانیم توقع مخاطب در همه بخش‌ها را برآورده کنیم. خوشحال شبکه نمایش خانگی هم فعالیت می‌کند و مخاطبان‌ش را دارد اما نمی‌توان این دو مدیوم را با هم مقایسه کرد. ما وظیفه داریم بهترین‌ها را برای مخاطبان‌مان فراهم کنیم و آماده همکاری با بهترین‌ها هستیم و نباید کارگردانی صلاح می‌داند در دوره‌ای در شبکه نمایش خانگی کار کند اما این به این معنی نیست که تلویزیون با او کار نمی‌کند.

**آتابه‌حال پیش آمده است فیلم‌نامه‌ای توسط شما مورد تأیید قرار گیرد اما آقای سرفراز مخالفت کند؟**

آتابه‌حال هیچ‌یک از کارهای من رد نشده است اما قطعاً توصیه‌هایی می‌شود. خوشبختانه به این مرکز هم آقای سرفراز و معاون محترم سیما اعتماد کامل دارند. این راه منظر بگریه که عمر مدیتره در این مرکز در حدود چهار ماه است. پس به اندازه این چهار ماه از من انتظار داشته باشید.

برنامه‌ای برای بازگشت به تئاتر دارید؟  
بله، قصد دارم به‌زودی کاری را روی صحنه ببرم. به محض قطعی‌شدن سالن اعلام می‌کنم.

A portrait of a middle-aged man with dark hair, wearing glasses and a blue textured blazer over a checkered shirt. He is looking directly at the camera with a serious expression. His arms are crossed, and a gold watch with a black strap is visible on his left wrist. The background is a bright, out-of-focus indoor space with green plants.

به سینما هجوم آوردند را قبول ندارم. آیا تلویزیون در نیمه‌شب یا صبح برای مخاطب برنامه‌ای داشته که ترجیح دادند بینند و سینما را انتخاب کنند؟ استقبال مخاطب از سینما در ایام نوروز به گمان من دلایل دیگری داشته که از همه مهمتر، تغییر الگوی مسافرتی جامعه ایران بود. خوشبختانه سفرهای خارجی به برخی کشورهای منطقه کاهش داشت، بسیاری از تماشاچیان سینما از شهرستان به شهرهای بزرگ آمدند. فیلم‌ها تا حدود زیادی متناسب ذوق‌های مختلف بودند و با اقبال مخاطب روبه‌رو شدند. با همه اینها فروش واقعی محصولات سینمایی را در نظر گرفتن افزایش قیمت بلیت و دلایل دیگر نشان می‌دهد میزان تماشاچیان سینما آن‌چنان که بزرگ‌نمایی می‌شود، نیست. راکت نیست تلویزیون سرگرمی مخاطبان را همه اقشار جامعه باشد و رضای نگاه‌داشتن مسابقه امری محال است. سلیقه مخاطب هم تغییر کرده و بالاتر رفته است و جامعه جوان و تحصیل‌کرده ما نیاز به خوراک متنوع‌تری دارد. ما هم باید تلاش کنیم تا در مسیر همین تفاوت قدم برداریم. سریال‌های ما هم دیده شد و در قلم نقد منصفانه، برخی کاستی‌ها آنگاه قابل بررسی است.

البته اگر نقدی به سربال‌ها وارد می‌شود طبعاً آسیب‌شناسی نقاط ضعف آنها و برطرف کردن این کاستی‌هاست. نکته‌ای که درباره افت کیفی سربال‌ها قابل بررسی است تنوع نداشتن موضوعی آنهاست. البته نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که امسال سربال «بیمارستان‌دار» تولید مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی سیمیا بود و بهتر است درباره وجود دو مرکز امور نمایشی سیمیا و مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی سیمیا هم صحبت کنیم که در حال حاضر با وجود دو مرکز با رویکردها و تعاریف مشترک در حیطه فعالیت، چه کسی پاسخگویی افت کیفی فیلم‌نامه‌هاست؟

بیش از پاسخ به پرسش درباره مرکز نمایشی و فیلم‌نامه‌نویسی، سیما، باید بگویم نکته‌ای که در ساخت سریال‌های نوروز قابل مشاهده بود، ساخت سه اثر با تفاوت در رنگ آمیزی و جنس کمدی بود. به واسطه تفاوت سلیق در مخاطبان تلویزیون این تفاوت در پرداخت هم نیاز بود. در همه فیلم‌نامه‌های این سریال‌ها ذره‌ای ممیزی نشد. باز هم به موضوع عدم مسئولیت‌پذیری اشاره می‌کنم که

معتقد تلویزیون با مخاطب معنی پیدا می‌کند. در تناثر گروتسکی هم مخاطب را در نظر می‌گیریم. درحال حاضر اکثر افرادی که آثار ضعیفی در تلویزیون تولید کرده‌اند بهانه تراشی می‌کنند. هر چند ما دست آنها را برای کارکردن بسته‌ایم اما برخی از آنها معتقدند فقط به واسطه نام و اعتبارشان باید پاسخگوار تر و شادتر از تلویزیون باشیم و مخاطب نمی‌تواند اولویت برای انتخاب آثارشان باشد

در جامعه ما به شدت کاهش پیدا کرده و در هنر فاجعه بارتر شده است. هنرمند نمی پذیرد شاید قصه سریش را طوری روایت نکرده که برای مخاطب جذاب تر باشد و خیلی راحت مسئولان را مقصر می داند. بی مسئولیتی که در نظردهی هم خطرناک است. متأسفانه فضای نقادی ما فضای ایکی گویی شده است در صورتی که فضای نقد علمی و مبتنی بر پژوهش می تواند به غنای اثر هنرمند آن کمک بسیاری کند. درباره مسئولیت مرکز گسترش فیلم نامه نویسی سیما هم باید بگویم مسئولیت این مرکز، تولید اثر نیست، بلکه کشف استعداد های تازه فیلم نامه نویسی و فراهم آوردن فیلم نامه های جذاب و کامل به دور از استرس تولید، مهم ترین وظایف مرکز گسترش فیلم نامه نویسی است. در حال حاضر بسیاری از افرادی که دستی در نگارش فیلم نامه دارند، می توانند به ساحت این مرکز مراجعه کنند و بی واسطه طرح ها و ایده های شان را با این مرکز به اشتراک بگذارند و اثر فارغ از تمام رابطه ها مورد ارزیابی قرار می گیرد و همکاری با این مرکز را به نویسند ه های پیشگسوت و جدید و جوان توصیه می کنم؛ چرا که نویسند ه های خوب با ایده های جدید کم داریم. در مرکز گسترش فیلم نامه نویسی سیما گاهی تولیدات اندکی صورت می گیرد و پخش آنها برای ما مقتم است اما تولیدات مستمر وجود ندارد.

❖ پس یعنی این دو مرکز مکمل هم هستند؟  
بله.  
❖ حرف آخر درباره کیفیت یک فیلم‌نامه را کدام مجموعه می‌زند؟  
شورا عالی فیلم‌نامه. این شورا شامل جمعی از متخصصان در این حوزه است و طرح‌های انتخابی‌ای که تشخیص داده می‌شود می‌تواند نتیجه خوبی داشته باشد، در این شورا تصویب می‌شود.

البته درباره وجود این دو مرکز، صحبت‌هایی مطرح بود که آقای سرافراز راسا بر عملکرد مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی سیما نظارت دارند و مرکز نمایشی سیما زیر نظر معاونت سیما فعالیت می‌کند و همین موضوع شایعات اختلاف دیدگاه آقای سرافراز و پورمحمدی را دامن می‌زد.

وقتی من از موضوع رئیس سازمان نگاه می‌کنم، می‌گویم او شخصی است که باید پاسخ‌گوی یک عملکرد رسانه ملی باشد. همان‌طور که گفتید این شایعه با عاقل مدتی همراهی گشت. رانندازی مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی یا فقط به دلیل ارتقای کیفیت فیلم‌نامه‌ها تولیدی و گسترش استعدادیابی نبود که به‌طور عادی جایی برای ظهور و بروز پیدا نمی‌کند و این مرکز می‌تواند استعدادها را شناسایی کند. واقعیت این است که چالش دوجه در سازمان صداوسیما جدی است و تولیدات ما باید به‌سرعت برای پخش آماده شود و حداقل در ساعات پرمخاطب سریال‌های جدید داشته باشیم و در چنین فضایی این دوجه تعریف می‌شود و این توان به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که از الان غیر از سریال‌هایی که باید به آنتن برسند، ساخت مجموعه‌ای را فارغ از پخش در ماه‌های آینده پیش‌بینی کنیم.

پهنای شیربائی-بابک جوادى: رحمان سیفی آزاد چند ماهی است که سکان مرکز نمایشی سیما را دست گرفته است؛ مسئولیتی که بیش از هر چیز با توجه به رویکردی که از ابتدای مدیریت رئیس رسانه ملی برای این مجموعه در نظر گرفته شده است، باید پاسخگوی کیفیت مجموعه‌های نمایشی سیما باشد. با سیفی آزاد درباره حواشی مرکز نمایشی سیما و حدود اختیارات و تصمیماتش صحبت کردیم:

زمانی که آقای تخشید، ریاست مرکز نمایشی سیما را بر عهده داشتند، درباره حضور بیشتر تهیه‌کنندگان شبکه سه در پروسه سریال‌سازی به واسطه سوابق آقای تخشید در شبکه سه صحبت‌هایی بود و با جایگزینی شما به جای آقای تخشید، این صحبت درباره شما هم هست که زمینه همکاری بیشتر تهیه‌کنندگان شبکه یک فراهم شده است. تا چه حد این صحبت‌ها حقیقت دارد؟

شاید به طور طبیعی این ذهنیت برای بسیاری ایجاد شود که من و آقای تخشید به واسطه سوابق پیشین مان بیشتر تا تهیه‌کنندگان شبکه‌هایی که پیش‌تر آنجا مدیر فیلم و سریال بودیم کار کنیم. ولی این طور نیست. در زمانی که مدیر فیلم و سریال شبکه یک سیما بودم، تعداد زیادی از تهیه‌کننده‌های شبکه یک در همین سیستم مشغول به کار بودند، همان‌ها که هنوز هم کار می‌کنند. به نظر من قضاوت این‌گونه از سمت شخصی‌اش است که ایده‌ها و طرح‌هایی که ارائه داده‌اند کیفیت لازم برای ساخت را نداشته یا همسو با سیاست‌های تولیدی ما نیست و بیشتر از روی عصبانیت فراقکتبی می‌کند تا سیستم را تحت فشار قرار دهند. سخت‌گیری‌های ما با توجه به اینکه کیفی‌سازی در اولویت قرار گرفته است، می‌تواند بسیاری از افرادی که دست به تولید انبوه می‌زنند را ناراحت کند چون کم‌کارتر شده‌اند. قصد ما این است که تعداد آثار باکیفیت افزایش یابد و برخی تصور می‌کنند تولیدات تلویزیون کاهش پیدا کرده است. در صورتی که این طور نیست. ما همواره در جست‌وجوی قصه‌های جذاب هستیم. حقیقت این است که سریال‌سازی در کنار پیش‌کسوت‌ها با حضور نسل جوان با کیفیت پوست‌اندازی و ساخت سریال‌هایی در ژانرهای مختلف و تنوع ایده‌ها و قصه‌ها اتفاق می‌افتد و این نگاه کیفی جدی گرفته شود.

از بحث کیفیت ساخت سربال‌ها دور نشویم؛ اینکه مدت‌هاست کیفی‌سازی در اولویت تلویزیون قرار گرفته است، اما متأسفانه نمود بیرونی جدانی نداشته. مثل نوروز امسال که سه سربال در نظر گرفته شد که در جذب مخاطبان خیلی موفق نبودند و از دیدگاه بسیاری یکی از دلایل رونق سینما در نوروز امسال، عملکرد تلویزیون بود یا ساخت سربالی مثل «معمای شاه» که با توجه به هزینه بسیاری که صرف ساختش شد. انتظارات را آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد، برآورده نکرد.

حدود چهار ماه است که مسئولیت مرکز نمایشی سیاه به من سپرده شده است و پیش از این، سابقه من در مدیریت گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما قابل بررسی است. سؤال شما از دو جهت قابل بررسی است؛ یکی از زاویه برخورد با مخاطب و یکی از زاویه‌ی فنی و حرفه‌ای. در نظر من به لحاظ کیفیت ساخت اصول کار آثار ما با توجه به ماکسین ضایعات هنری هنرمندان، کیفیتی متوسط به بالا دارد ولی از منظر اقبال مخاطب می‌توان گفت گاهی بالا‌پایه‌ی داشته‌ایم. ولی متوسط بیننده را اکثر آثارمان داشته‌اند و شاید برخی از این دست کلی‌گویی‌ها قیاس امروز مجموعه‌های تلویزیونی با دورانی است که دسترسی مخاطب به آن‌ها بسیار محدود بود و اکثر سریال‌های ما پربیننده با آمار بالا بود که این قیاس کارشناسی نیست و باید بیننده تلویزیون را با شرایط امروز که مخاطب در معرض انواع سریال‌هاست و سریال‌های ما هم یکی از انتخاب‌هایش است، بررسی و اعلام نظر و برنامه‌ریزی کرد. همین مناسبت تلویزیون از زاویه دیدگری قابل بررسی است. در تلویزیون امسا باید توقع تلویزیون سرگرم‌کننده و دیگر با رنگ آمیزی‌های مختلف آدمیم. ولی به نتیجه دلخواه نرسیدیم، ما در این سریال‌ها از حضور بهترین کمدین‌ها و بازیگران سینما و تلویزیون و کارگردان‌ها بهره بردیم. برای همه این آثار هم شرایط خوبی فراهم کردیم. مسئولیت‌پذیری، کار سختی است و به جای اینکه هنرمند ما مشکلات کارش را بپذیرد و ارزیابی کند که شاید در سوگیری یا پرداخت به درستی کم نکرده است، همه مشکلات را به سر شخص دیگری می‌اندازد. «بیمار استاندارد»، «زغرانی» و «قرعه» هر سه وضعیت سرگرمی و ایجاد فضای شاد برای مخاطبانشان را داشته‌اند. همگی آن به سازندگان آنها چیزی تحمیل نکرد. اما وقتی سریال در بازخورد عمومی آن حدی که انتظار می‌رفت با اقبال روبرو نشد، برخی‌شان تقصیر را به گردن تلویزیون انداختند و پنهان آوردند که زمان کم بود یا دچار سانسور شدیم و از این دست پنهان‌ها. بهتر است به جای فرافکنی برای گرفت و اصلاح خودمان و برای بهتر شدن، حدود مسئولیت‌های خودمان را بشناسیم و به آنها قائل باشیم. درباره سریال «عمما شاه» هم باید بگویم پروسه‌ای پنج‌ساله صرف ساخت سریال شد و پوزیته‌تری سریال بسیار کم نیست و این سریال به‌نماتر از سریال‌های جاری شبکه نمایش خانگی کم‌هزینه‌تری بوده است.

واقعاً رقم نهایی مشخص نشده است. هدف از ساخت این سریال آشنایی نسل جدید با بخش‌های مهم از تاریخ معاصر کشور بود. حالا اینکه تا چه حد در این عرصه موفق بوده‌ایم از ارزیابی این تحلیلی که شما از روتو سینما در ایام نوروز گفتید را من هم می‌شناسم و خوشحالم که سینما در نوروز فروش خوبی داشته است و معتقدم هر چقدر جمع‌های فرهنگی و هنری پررونق شود بفع هم هنرمندان این کشور خواهد بود. بسیاری از سینماهای ما در ایام نوروز تا سانس‌های صبح هم پذیرای مخاطبان بود. ما در ارزیابی متصفان، تلویزیون با پیش‌آژانس هم فیلم‌ها البته با تعداد متفاوت، در معرفی آنها به مخاطبان نقش داشت ولی این استفاده که چون برنامه‌های تلویزیون پربیننده نبود مردم